

## بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده های فنی و مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

علی عنایتی نوین فر<sup>۱\*</sup>، کمال درانی<sup>۲</sup> و نوروزعلی کرمدوست<sup>۳</sup>

### چکیده

فرایند انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان می‌تواند با توجه به شرایط زمانی و مکانی از عواملی تأثیر پذیرد که در این پژوهش برخی عوامل تأثیرگذار بررسی شده است. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بود. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشکده‌های فنی و مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران (۴۵۷۳ نفر) بود که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه‌ای به حجم ۴۱۴ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با ۴۲ گویه طراحی شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان و روایی سازه آن از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. پایایی ابزار نیز از طریق آلفای کرونباخ با ضریب ۰/۸۹ تأیید شد. داده‌ها با استفاده از آزمونهای آماری من-ویتنی و فریدمن و t تک نمونه‌ای و نیز نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. با تحلیل آزمون t تک نمونه‌ای در بین دانشجویان فنی و مهندسی عوامل اقتصادی (۳/۹۹) و فردی (۳/۰۷) بالاتر از حد متوسط و عوامل اجتماعی (۲/۱۸)، کنکور سراسری (۲/۳۷) و عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی (۲/۷۴) کمتر از حد متوسط در انتخاب رشته تحصیلی آنان تأثیر داشته است. در بین دانشجویان علوم تربیتی نیز عوامل اقتصادی (۲/۶۳) کمتر از حد متوسط، عوامل کنکور سراسری (۳/۸۲) بیشتر از حد متوسط، عوامل اجتماعی (۳/۰۲)، مؤسسه‌ای (۳/۰۹) و فردی (۲/۹۱) در حد متوسط در انتخاب رشته تحصیلی آنان تأثیر داشته است. نتایج نشان داد که عوامل تأثیرگذار بر انتخاب دانشجویان رشته فنی و مهندسی به ترتیب عوامل اقتصادی، عوامل فردی، مؤسسه‌ای - آموزشی، کنکور سراسری و عوامل اجتماعی - فرهنگی و عوامل تأثیرگذار بر انتخاب دانشجویان رشته روانشناسی و علوم تربیتی به ترتیب عوامل کنکور سراسری، مؤسسه‌ای، اجتماعی - فرهنگی، فردی و اقتصادی بود. افزون بر این، در میان عوامل پنج‌گانه بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده شد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

\* مسئول مکاتبات: [enayati\\_ut1387@yahoo.com](mailto:enayati_ut1387@yahoo.com)

۲. دانشیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران: [dorrani\\_unitech@yahoo.com](mailto:dorrani_unitech@yahoo.com)

۳. استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران: [karamdost.n@yahoo.com](mailto:karamdost.n@yahoo.com)

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱/۲۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۵/۱۰

**کلید واژگان:** انتخاب رشته، دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

### مقدمه

فرایند انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان می‌تواند با توجه به شرایط زمانی و مکانی از عواملی تأثیر پذیرد و کیفیت آن نیز بر حسب نحوه و میزان جست‌وجوی اطلاعات در باره رشته‌های دانشگاهی می‌تواند متفاوت باشد. بنا بر نظریه سوپر، اکتشاف ۴ به معنای سنجش تواناییها، علایق، مهارتها و بررسی فرصتهای اجتماعی ممکن است، به‌ویژه هنگامی که با آینده حرفه‌ای فرد مرتبط باشد و حدود سن هجده سالگی به اوج خود می‌رسد (Super, 1980, As Cited in Sprinthal & Collins, 1998) و این همان سنی است که داوطلبان ورود به دانشگاهها در کشور ایران در کنکور سراسری شرکت می‌کنند. از آنجا که جست‌وجوی اطلاعات در باره رشته‌های دانشگاهی می‌تواند گامی مهم در کسب موفقیت تحصیلی و شغلی فرد باشد (Zandipour, 1992, As Cited in Abdi & Aqababa, 2008)، بررسی این مسئله در جامعه ما در خصوص داوطلبان ورود به دانشگاهها، به‌عنوان قشر عظیمی که در حال تصمیم‌گیری در باره آینده حرفه‌ای خود هستند، بسیار حایز اهمیت است.

مطابق نظر کینزی، پالمر، هیک، هوسلر، جاکوب و کامینگ (Kinzie, Palmer, Hayek, Hossler, Jacob & Cummings, 2004) تحقیقات مربوط به عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی و دانشگاه عمری پنجاه ساله دارد و محققان در طول این دوره عوامل تعیین کننده‌ای مانند ویژگیهای فردی، خانوادگی، شغلی و ویژگیهای دانشگاه را شناسایی کرده‌اند. چابمن معتقد است که انتخاب رشته تحصیلی و دانشگاه با توجه به مجموعه‌ای از ویژگیهای درونی داوطلب با عوامل بیرونی مرتبط است. مطابق نظریه چابمن، انتخاب رشته تحصیلی و دانشگاه مورد نظر برای تحصیل بر اساس عوامل درونی شامل علاقه و سطح آرزوهای فردی، نگرش، توانایی و عملکرد تحصیلی و نیز عوامل بیرونی از قبیل وجود داشتن افراد مهم در زندگی فرد مثل خانواده، دوستان و غیره و ویژگیهای دانشگاه شامل مقدار شهریه، مکان و سطح تحصیلی آن صورت می‌گیرد (Chapman, 1984, As Cited in DeRonck, 2007). سالیوان و برودیگان معتقدند که والدین می‌توانند دورنمای هزینه تحصیل، کیفیت دانشگاه، رشته تحصیلی انتخابی و موقعیت مکانی محل تحصیل را برای فرزندان خویش، در زمانی که آنها در سالهای آخر تحصیلات متوسطه هستند، ترسیم کنند. خصوصیات و پیشینه خانوادگی مستحکم متقاضیان ادامه تحصیل در دانشگاه می‌تواند موجب افزایش اعتماد به نفس آنها در امر انتخاب رشته تحصیلی شود. تشویق مداوم والدین با راهیابی متقاضیان به آموزش عالی و دستیابی به رشته

تحصیلی دلخواه آنان رابطه مثبت دارد (Solivan & Brodigan, 1983, As Cited in Noland & Deato, 2001). در باره تأثیر والدین بر انتخاب رشته تحصیلی از سوی فرزندان دختر و پسر، راید (Reid, 2002) در پژوهشی دریافت که تأثیر والدین بر انتخاب رشته تحصیلی از سوی فرزندان دختر دو برابر بیشتر از فرزندان پسر بوده است. اما در زمینه تأثیر تحصیلات والدین، نتیجه تحقیق استانیک (Stanniec, 2004) نشان داد که تحصیلات والدین بر انتخاب رشته تحصیلی فرزندان پسر مؤثر نیست، در حالی که هم تحصیل مادر و هم تحصیل پدر بر انتخاب رشته تحصیلی از سوی فرزندان دختر تأثیرگذار بوده است.

عامل دیگر در انتخاب رشته تحصیلی طبقه اجتماعی و اقتصادی فرد است. وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد نه تنها عامل بالقوه‌ای در تعیین سطح آرزو برای ادامه تحصیلات عالی است، بلکه نوعی جهتگیری حرفه‌ای برای آنان قلمداد می‌شود. افرادی که در وضعیت نابسامان اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و از طبقه کم درآمد جامعه هستند، اصرار دارند که رشته‌هایی را انتخاب کنند که تحرک اجتماعی به دنبال داشته باشد. نتایج تحقیقی نشان داد که فرزندان طبقه پایین اجتماعی، که در دانشگاه اسکاتلند به تحصیل مشغول بودند، بیشتر به رشته‌های مهندسی گرایش داشتند (Keli, 1986, As Cited in Abdi & Danaei, 2002).

عامل دیگر در انتخاب رشته تحصیلی مشاوره و تأثیر افراد با نفوذ است. از جمله تصمیم‌گیرهای مهم در زندگی فرد، تصمیم‌گیری در باره ادامه تحصیل و انتخاب رشته تحصیلی است. وقتی فردی مجبور است از میان رشته‌ها و دانشگاه‌های مختلف یکی را انتخاب کند، ممکن است دچار اضطراب شود، چون این امر به آینده شغلی او مربوط می‌شود. او باید پاسخگویی انتظاراتی باشد که از درون و برون او را احاطه کرده است، از جمله انتظارات اجتماعی، خانوادگی و همچنین، آینده‌نگری و اینکه آینده او با تحصیل در رشته‌ای خاص چگونه رغم خواهد خورد. فردی که به مرحله انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه می‌رسد، هنوز بحران بلوغ را پشت سر نگذاشته است که مرحله انتخاب رشته شروع می‌شود و دانش‌آموزانی که هنوز در خصوص زندگی و مسئولیتهای آن تجربه چندانی ندارند، یا باید خود را برای راه یافتن به دانشگاه آماده کنند یا راهی دیگر در پیش گیرند (Ghazi, 1992, As Cited in Roozbehani Mohammadi, 2004). در این میان، فرد برای پایان دادن به این بحرانها به کمک نیاز دارد و این کمک باید به منظور هر چه بهتر تصمیم گرفتن متقاضی ورود به دانشگاه باشد؛ تصمیمی که با توجه به استعدادها، تواناییها و پیشینه اقتصادی و اجتماعی دانشجو باشد. بدیهی است که کشف تواناییها و استعدادهای گوناگون فرد توسط خود او کار دشواری است و از این رو، راهنمایی وی برای شکوفایی تواناییها و استعدادهایش ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، اهمیت خدمات مشاوره بسیار نمایان می‌شود. مهم‌ترین وظیفه هر واحد خدماتی مشاوره آن است که به فرد در اخذ تصمیمات با اهمیت کمک کند و او را از سرگردانی نجات دهد. مشاوره تحصیلی می‌تواند اعتماد به خویشتن را در فرد افزایش دهد؛ به عبارتی، یکی از وظایف اساسی مشاور این است که در مرحله انتخاب رشته تحصیلی به فرد

کمک کند تا با توجه به خصوصیات فردی خویش تصمیمات مناسبی در زمینه‌های مختلف اتخاذ کند. عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی عامل دیگری در انتخاب رشته تحصیلی است که به نحوی با مسئله ادامه تحصیل دانشجو در رشته و دانشکده‌ای که انتخاب می‌کند مربوط می‌شود؛ به عبارتی، وقتی فردی رشته‌ای را برای تحصیل در دانشگاه انتخاب می‌کند، ممکن است مواردی از قبیل محتوای دروس، دانسته‌های خویش، کیفیت و اعتبار دانشگاهی که قرار است در آن تحصیل کند و بسیاری از مسائل دیگر را نیز در نظر آورد، مانند اینکه آیا در صورت ادامه تحصیل مشکلی برای او پیش نمی‌آید؟ برخی از دانشجویان برای ادامه تحصیل به دانشگاه مورد نظر خویش بیشتر توجه دارند و در خصوص ادامه تحصیل اولویت اصلی را به تحصیل در دانشگاه مورد علاقه خویش می‌دهند. تیلری در نظرخواهی خود از دانش‌آموزان سال آخر به این نتیجه رسید که ۵۰٪ از دانش‌آموزان در انتخاب رشته تحصیلی خود به معروفیت و موقعیت دانشگاه نظر داشتند (Tileri, 1973, As Cited in Abdi & Aqababa, 2008). البته، این عامل می‌تواند بیشترین و کمترین تأثیر را داشته باشد، برای مثال، دانشجویی که فقط به تحصیل در دانشگاه می‌اندیشد، کمتر به این مسائل توجه می‌کند.

چنان‌که ذکر شد، دانشجویان در جهت‌گیریهای خود در خصوص انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرند. اما نکته اساسی و مهم نحوه تأثیر و تأثرات بین عوامل مختلف است؛ به عبارتی، باید تشخیص داد که دانشجویان مرحله به مرحله از چه عواملی بیشتر یا کمتر تأثیر می‌پذیرند و از زمانی که قصد وارد شدن به دانشگاه را دارند، چه برنامه‌هایی را برای خود تدارک می‌بینند. برای بررسی این مسئله باید نحوه جهت‌گیری دانشجویان در خصوص انتخاب رشته و دانشگاه مورد نظر آنها بررسی و تبیین شود. در خصوص نحوه انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان در دانشگاه و عواملی که بر این امر تأثیر می‌گذارد، الگوهای نوینی ارائه شده است. هدف از طراحی این الگوها نظم بخشیدن به عوامل تأثیرگذار و شناخت تأثیر و تأثر هر یک بوده است. مفهوم اساسی چند الگویی که در باره آنها توضیح داده می‌شود این است که دانشجویان از زمانی که قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را دارند تا زمانی که رشته تحصیلی خود را انتخاب می‌کنند، ممکن است از مراحل گذر کنند و با موانع و محدودیتهایی روبه‌رو شوند. هر یک از موانع و محدودیتهای می‌توانند بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان تأثیر بگذارند و نگرش آنها را در باره رشته مورد نظرشان تغییر دهند یا اینکه آنان را از ادامه تحصیل و انتخاب رشته‌ای خاص منصرف کنند. مهم‌ترین این الگوها در ادامه بررسی شده است.

تصمیم‌گیری یکی از ضروری‌ترین عوامل انتخاب از سوی پژوهشگران اعلام شده است (Miller & Miller, 2005). مدل‌های تصمیم‌گیری نسبت به مدل‌های توسعه تمرکز خاص و بیشتری بر مراحل زندگی دارند. هارن (Harren, 1979) استدلال کرد که تصمیماتی مانند انتخاب رشته تحصیلی احتمال بیشتری دارد که در زمان خاصی از زندگی اتخاذ شوند. دانشجویان در خدمات مراکز مشاوره دانشگاهی بارها نگرانیهای خود را در باره تصمیم‌گیری در خصوص رشته‌های اصلی تحصیلی به مشاور ابراز داشته‌اند. در حقیقت، بسیاری از دانشجویان خواستار مشاوره هستند و آن را پیگیری می‌کنند، زیرا

در باره علایق و منافع شخصی خود اطلاعات زیادی ندارند. بسیاری از دانشجویان به موضوع شخصیتی اشاره می‌کنند [مانند نبود انگیزه] که مانع تصمیم‌گیری انتخاب رشته تحصیلی دانشگاهی می‌شود. این موضوعات خیلی اوقات با ویژگیهای شخصیتی فرد [مثل اعتماد به نفس پایین] یا روابط فردی [مانند ناسازگاری با والدین] ارتباط دارند. انتخاب رشته تحصیلی بخشی از فرایند انتخاب شغل است و افراد زیادی را به سمت آینده شغلی‌شان هدایت می‌کند. از مهم‌ترین نظریه‌ها در باره انتخاب رشته و دانشگاه، مدل انتخاب رشته تحصیلی هاسلر و گالاگر (Hosler & Gallagher, 1987) است که گام‌های منطقی را که یک فرد داوطلب باید در فرایند تصمیم‌گیری انتخاب رشته تحصیلی طی کند، نشان می‌دهد (Wei-Chun, 2009). بر اساس نظریه هاسلر و گالاگر اولین مرحله فرایند انتخاب رشته تحصیلی پیش آمادگی است و زمانی رخ می‌دهد که فرد تحت تأثیر عوامل محیطی در باره انگیزه‌ها و تمایلات اولیه خود برای تحصیل در دانشگاه یا انتخاب رشته تحصیلی مورد نظر بررسی می‌کند و اینکه آیا در آموزش عالی ادامه تحصیل بدهد یا به داشتن مدرک دیپلم اکتفا کند. مرحله دوم جست‌وجو برای کسب اطلاعات است که داوطلب بعد از تصمیم‌گیری برای ادامه تحصیل در مقاطع آموزش عالی، باید اطلاعاتی را در باره رشته‌ها و دانشگاهها جمع‌آوری کند. مرحله نهایی انتخاب است که فرد با ملاحظه نتایج مراحل قبلی رشته تحصیلی مورد نظر خود را انتخاب می‌کند (Hosler & Gallagher, 1987).

هارن (Harren, 1979) یک مدل تصمیم‌گیری مناسب برای دانشجویان توصیه کرد که اگر دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی خود این الگو را در نظر بگیرند، از انتخاب خود خشنود خواهند بود. این مدل برگرفته از چندین منبع مثل مدل ناسازگار جینز و من (Janis & Mann, 1977) است. مدل هارن، مشابه بیشتر مدل‌های تصمیم‌گیری، شامل چندین مرحله است که عبارت‌اند از: آگاهی، برنامه‌ریزی، تعهد و اجرا. مدل هارن یکی از مؤثرترین مدل‌ها در مسیر تصمیم‌گیری انتخاب رشته نامیده شده است. محدودیت مدل این است که به گفته هارن برای جمعیت غیر دانشجویی قابل اجرا نیست (Harren, 1979). هارن همچنین، سه سبک تصمیم‌گیری را مطرح کرد و جانسون (Johnson, 1987) گزارش داد که این سبکها می‌تواند به‌طور مؤثر و مناسب در برنامه‌ریزی برای انتخاب رشته استفاده شود. این سبکها عبارت‌اند از:

**سبک منطقی:** در این مرحله دانشجو اطلاعات را جمع‌آوری و موقعیت را ارزیابی می‌کند و مسئولیت شخصی را برای اتخاذ تصمیم خود بر عهده می‌گیرد. در این میان، او کمتر به عواطف و احساسات توجه می‌کند و بیشتر در چارچوب اصول و منطق خود را محصور می‌سازد.

**سبک ذاتی:** در این سبک دانشجو از عواطف و احساسات خویش کمک می‌گیرد و تصمیم خود را بر اساس مناسب‌ترین احساس اتخاذ می‌کند.

**سبک وابسته:** در این سبک دانشجو بیش از اندازه از تفکرات، اعتقادات و پیشنهادهای دیگران استفاده می‌کند و مسئولیت کمتری را برای تصمیم‌گیری خود بر عهده می‌گیرند (Harren, 1979). می‌توان چنین استنباط کرد که سبک منطقی بیشتر واقع‌بینانه است و دانشجو تصمیمات خود را بر اساس منطق صحیح اتخاذ می‌کند. در سبک ذاتی باز هم دانشجو خودش فعال است، ولی از واقع بینی دور می‌شود و با توجه به احساس خود تصمیم می‌گیرد. در خصوص سبک وابسته باید گفت که زمانی از آن استفاده می‌شود که دانشجو در تصمیم‌گیری برای انتخاب رشته تحصیلی مردد است و به نظر دیگران روی می‌آورد تا به آرامش نسبی دست یابد، حتی اگر رشته‌ای را که انتخاب می‌کند، مورد علاقه‌اش نباشد. بنابراین، وی برای سلب مسئولیت از خود کارش را توجیه می‌کند. هارن اظهار می‌دارد که بیشتر متقاضیان ورود به آموزش عالی به استفاده از سبک منطقی تمایل دارند، اما با رضایت دانشجو همبستگی ندارد.

الگوی پیشنهادی جکسون (Jackson, 1982) ترکیبی از دو الگو با مبنای جامعه‌شناسی و اقتصادی است که می‌توان فرایند انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان را با توجه به آن تبیین و تفسیر کرد. وی معتقد است که دانشجو در فرایند انتخاب رشته تحصیلی خود مجبور است از سه مرحله: ترجیح یا آمادگی<sup>۵</sup>، انحصار<sup>۶</sup> و ارزشیابی<sup>۷</sup> عبور کند. چنانچه دانشجویان برای انتخاب رشته تحصیلی مورد نظر در یکی از مراحل یادشده موفق نشوند یا شرایط طوری باشد که آنها در یک مرحله شکست بخورند، دیگر امیدی به راهیابی به مراحل بعدی نیست. روابط مراحل یک طرفه است، به طوری که عاملهای مرحله قبلی می‌توانند بر مرحله بعدی اثر بگذارند. در مرحله ترجیح یا آمادگی که بیشتر با دیدگاه جامعه‌شناسانه ارتباط دارد، دانشجو در شرایطی قرار می‌گیرد که بیشتر در باره انتخاب رشته تحصیلی خود فکر و برای آن برنامه‌ریزی می‌کند. فرق اساسی ترجیح با انتخاب این است که ترجیح نوعی آمادگی است که برای انتخاب رشته تحصیلی امری ضروری و به واقعیت کمتر نزدیک است و بیشتر به معنای داشتن تمایل و علاقه به ادامه تحصیل در رشته‌های مختلف است، ولی انتخاب امکان تحصیل در یک رشته خاص است. عواملی که در مرحله ترجیح مؤثرند و فرد را برای ادامه مراحل دیگر آماده می‌کنند، عبارت‌اند از: سوابق و پیشینه خانوادگی، زمینه اجتماعی (افراد مرجع و مطلع)، تجربه تحصیلی و آمال و آرزوها. این مرحله می‌تواند حاصل تعامل خصوصیات دانشجو و متغیرهای محیطی باشد که دانشجو را در وضعیت مناسب یا نامناسب در باره تصمیم‌گیری در خصوص ادامه تحصیلات عالی و انتخاب رشته مورد نظر قرار دهد.

**پیشینه تحقیقات:** نجات، امامی رضوی، رشیدیان، یزدانی و مجیدزاده (Nejat, Emami, Rashidian, Yazdani & Majdzadeh, 2006) در باره نظریات دانشجویان در خصوص علل انتخاب رشته پزشکی و شناخت از آینده شغلی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران با دو

5. Preference Stage  
6. Exclusion Stage  
7. Evaluation Stage

روش کمی و کیفی بررسی کردند. در بخش کیفی پژوهش همه دانشجویان توافق داشتند که خود فرد خیلی در خصوص انتخاب رشته تصمیم‌گیرنده نیست و تقریباً همه آنان منزلت پزشک در جامعه و مورد توجه بودن رشته پزشکی را دلایل اصلی انتخاب رشته پزشکی عنوان کرده بودند. در بخش کمی مطالعه علاقه علمی (۴۲ درصد)، نقش پزشک در ارتقای سلامت مردم (۲۱ درصد)، درآمد مالی (۱۴/۳ درصد)، منزلت پزشک در جامعه (۱۳ درصد) و فشار اطرافیان (۱ درصد) دلایل اولیه انتخاب رشته پزشکی ذکر شده است. در مقابل، شرکت کنندگان در بخش کیفی مطالعه وضعیت شغلی پزشکان عمومی را مناسب ندانسته و برخی از آنان امکان ادامه تحصیل در رشته پزشکی را مشکل‌تر از سایر رشته‌ها ذکر کرده‌اند. شرکت کنندگان آینده شغلی پزشکان عمومی را در مقایسه با سایر رشته‌ها ناعادلانه تلقی و برخی از آنان ادامه تحصیل در رشته پزشکی را مشکل‌تر از سایر رشته‌ها ارزیابی کرده‌اند. از طرفی، در بخش کمی مطالعه مشخص شد با بالاتر رفتن سن شرکت کنندگان، ارزیابی آنان از آینده شغلی پزشکی به صورت معناداری تغییر می‌کند، بدین صورت که از نظر آنان با بالاتر رفتن سن امکان ادامه تحصیل و یافتن شغل با درآمد مناسب و در مکان مناسب مشکل‌تر از سایر رشته‌ها خواهد بود.

معتبری (Motabari, 1992) در بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی ۴۲۹ نفر از دانشجویان ترم اول در سه دانشکده فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی در رشته‌های الکترونیک، مکانیک، عمران، مواد، زیست‌شناسی، ریاضی، شیمی، مدیریت، علوم اجتماعی و ادبیات دریافت که پذیرفته‌شدگان رشته علوم انسانی از عوامل اجتماعی- فرهنگی و نیز عوامل فردی- زیستی بیش از پذیرفته‌شدگان رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی تأثیر پذیرفته‌اند. در حالی که تأثیر عوامل اقتصادی بر دانشجویان فنی و مهندسی بیش از دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه بوده است.

نصر، عریضی، علامت‌ساز و نیلی (Nasr, Arizi, Alamatsaz & Nili, 2007) در پژوهشی با عنوان «بررسی ملاکهای انتخاب رشته داوطلبان ورود به دانشگاه‌های دولتی و مقایسه آن بر مبنای تحصیلات پدر، رشته تحصیلی، سن و دفعات شرکت در آزمون سراسری» در خصوص ملاکهای انتخاب رشته داوطلبان ورود به مراکز آموزش عالی بررسی کردند. جامعه آماری این پژوهش ۱۸۳۳۹ نفر از داوطلبان مجاز به انتخاب رشته در شهر اصفهان بودند که ۱۵۰۰ نفر از آنان نمونه آماری پژوهش را تشکیل دادند. نتایج نشان داد که مهم‌ترین ملاکهای ورود به دانشگاه عبارت‌اند از: علاقه‌مندی به رشته، امکان ادامه تحصیل و تناسب رشته با تواناییهای علمی. همچنین، عواملی مانند صرفاً قبول شدن در دانشگاه و انتخاب رشته تحصیلی بر مبنای مشاوره‌های رایانه‌ای برای این افراد کمترین اهمیت را داشته است.

عبدی و آقا بابا (Abdi & Aqababa, 2008) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته داوطلبان مجاز به انتخاب رشته کنکور سراسری» نشان دادند بین دو جنسیت مجاز به انتخاب رشته در عامل شغلی و نیز عامل خانوادگی - دوستان تفاوت معناداری وجود دارد، اما تفاوتی در عامل فردی به دست نیامد. همچنین، بین عامل شغلی و عامل خانوادگی - دوستان در میان داوطلبان

گروههای آزمایشی تفاوت معناداری وجود داشت، اما بین داوطلبان گروه آزمایشی در عامل فردی تفاوت معناداری وجود نداشت.

نتیجه پیمایش سراسری سازمان ملی جوانان در باره وضعیت و نگرش جوانان ایرانی (Statistical Center of Iran, 2001) نشان می‌دهد که ۷۷ درصد از جوانان برای کسب مدرک تحصیلی وارد دانشگاه می‌شوند، ۶۵ درصد از آنها ورود به دانشگاه را موجب دستیابی به شغل و ۷۷ درصد باعث کسب موقعیت اجتماعی بالاتر می‌دانند و نیز ۲۳ درصد از جوانان فشار خانواده و اطرافیان را در این امر مؤثر دانسته‌اند.

در مطالعات انجام شده در خارج از ایران نتایج مختلفی به دست آمده است، از جمله هاسلر، اسمیت و وسپر (Hossler, Schmidt & Vesper, 1999) و دیویس، نولند و دیتو (Davis, Noland & Deato, 2001) پی بردند که در نظر گرفتن عوامل تحصیلی مثل توانایی در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان آمریکایی نقش کلیدی داشته است. در تحقیق رایید (Reid, 2002) نیز دانشجویان سال اول دانشگاه مهم‌ترین عامل انتخاب رشته تحصیلی خود را ویژگی فردی و تصمیم شخصی ذکر کرده‌اند. دیلی (Daly, 2003) در بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه پی برد که بیشترین تأثیر را اولاً عوامل فردی مثل ارزشها، دانش فردی و نیز علاقه به رشته و سپس، عوامل خانوادگی دارند. کرن (Kern, 2000) در مطالعه خود تأثیر والدین و سپس، در نظر گرفتن شغل آینده را مهم‌تر از سایر عوامل در انتخاب رشته تحصیلی ذکر کرده است. نقش مسائل شغلی و دستیابی به حرفه و درآمد بالا در انتخاب رشته تحصیلی به‌عنوان اولین عامل در پژوهشهای دیگری از جمله دیویس و همکاران (Davis et al., 2001) مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. نقش دوستان و همسالان در انتخاب رشته تحصیلی یا دانشگاه نیز در مطالعات ریتزس و موتزان (Reitzes & Mutran, 1980, As Cited in Reid, 2002) و ویلیامز و هالیتان (Hallinan & Williams, 1990, As Cited in Davis et al., 2001) پر رنگ‌تر از عوامل دیگر است. تأثیر خانواده در انتخاب رشته داوطلبان ورود به دانشگاه نیز در مطالعات پیرسون و دلمان جنکینز (Pearson & Dellmann-Jenkins, 1997) و فریسی، بلچر و ساندرز (Frisbee & Sanders, 2000) بیشتر از عوامل دیگر است.

بوداربت و موتمارکوئیت (Boudarbat & Montmarquett, 2009) در پژوهشی در باره نقش جنسیت و تحصیلات والدین در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان بررسی کردند و نشان دادند که تفاوت معناداری بین جنسیت و انتخاب رشته وجود دارد و نقش والدین هم در انتخاب رشته تحصیلی دانشجو مؤثر است. فرانک (Frank, 2003) تأثیر محل زندگی و بومی بودن را در انتخاب رشته تحصیلی عاملی مؤثر دانست.

در تحقیقی که دیویس و همکاران (Davis et al., 2001) در ایالات تنسی آمریکا انجام دادند، دریافتند که تصمیم‌گیری برای ورود به دانشگاه در بین دانش‌آموزان بیشتر جنبه اقتصادی دارد و بیشترین



انگیزه داوطلبان دستیابی به اهداف شغلی است. از یافته‌های دیگر این مطالعه آن است که زنان نسبت به همسالان مرد خود تمایل بیشتری برای ورود به دانشگاه دارند.

در تحقیق دیگری که ماکسول و کلیجیو (Maxwell & Collageu, 2000) در کشور استرالیا انجام دادند، دستیابی به بهترین شغل و درآمد بالاتر از مهم‌ترین انگیزه‌های دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه گزارش شده است. دومین انگیزه مهمی که آنها در مطالعه خود به آن اشاره کرده‌اند، یادگیری بیشتر در زمینه‌های مورد علاقه در دانشگاه است. رهایی از خانه و ناتوانی در یادگرفتن در صورت نرفتن به دانشگاه از مواردی بود که بیشتر دانش‌آموزان آن را رد کرده بودند، ضمن اینکه ۸۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی قصد رفتن به دانشگاه را داشتند و در عین حال، دختران نسبت به پسران تمایل بیشتری برای ادامه تحصیل ابراز کرده بودند.

مطالعه دیگری در کشور هلند نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بلندمدت به معنای یافتن شغلهایی با درآمد بالا و اطمینان بیشتر، مهم‌ترین انگیزه‌های تصمیم‌گیری برای ورود به دانشگاه است (Canton, 2000, As Cited in Abdi & Aqababa, 2008).

مطالعات انجام شده بیانگر بعضی از واقعیتها در باره وضعیت نامطلوب رشته‌های دانشگاهی در کشور ایران و سایر کشورهای جهان است که با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. از عمده‌ترین مسائل، مسائل تحصیلی دانشجویان و نگرشی است که آنها در باره رشته تحصیلی خود دارند که در امر کیفیت علمی و موفقیت دانشجویان تأثیر زیادی دارد و بررسی چنین مسائلی می‌تواند فرصت مناسبی را برای دانشجویان رشته‌های مختلف فراهم کند تا ضعفها و کوتاهیهای خود را کشف کنند. بنابراین، شایسته است در خصوص عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی و نگرشی که دانشجویان به آینده شغلی خود دارند نیز بررسی شود. از آنجا که چنین مطالعاتی در باره دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و فنی و مهندسی به‌ندرت انجام شده است و نیز با توجه به اهمیت مسئله انتخاب رشته تحصیلی به‌عنوان عامل مهمی در یادگیری و کسب مهارت و موفقیت دانشجویان، انجام دادن مطالعات ملی و منطقه‌ای برای آگاهی وضعیت دانشجویان از جنبه‌های مختلف می‌تواند مفید باشد. این مطالعه با هدف مقایسه عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های روانشناسی و علوم تربیتی و فنی و مهندسی دانشگاه تهران صورت گرفته است.

## سؤالهای پژوهش

۱. عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی، فردی- زیستی و کنکور سراسری به چه اندازه در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی مؤثر بوده است؟
۲. عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی، فردی- زیستی و کنکور سراسری به چه اندازه در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مؤثر بوده است؟

۳. آیا بین تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای- آموزشی، فردی- زیستی و کنکور سراسری و انتخاب رشته تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده‌های روانشناسی و علوم تربیتی و دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران تفاوت معناداری وجود دارد؟

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود، بدین دلیل که متغیرهای مستقل آثارشان را در گذشته بر روی متغیر وابسته گذاشته‌اند و هیچ‌گونه تغییری توسط محقق بر روی آنها میسر نیست. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشکده‌های روانشناسی و علوم تربیتی و فنی و مهندسی دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ بود. تعداد کل دانشجویان کارشناسی دانشکده فنی و مهندسی ۳۹۴۸ نفر (۲۶۸۶ نفر مرد و ۱۲۶۲ نفر زن) و تعداد کل دانشجویان کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی ۶۲۵ نفر (۱۶۵ نفر مرد و ۴۶۰ نفر زن) و در مجموع، تعداد کل آنها ۴۵۷۳ نفر بود. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد. برای برآورد واریانس و میانگین جامعه، یک مطالعه مقدماتی به حجم ۷۷ نفر (۴۳ نفر از دانشکده فنی و مهندسی و ۳۴ نفر از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی) صورت گرفت و مقدار واریانس و میانگین جامعه به دست آمد. در نهایت، تعداد نمونه شامل ۳۵۷ نفر از دانشکده فنی و مهندسی (۲۴۳ نفر مرد و ۱۱۴ نفر زن) و ۵۷ نفر از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی (۱۵ نفر مرد و ۴۲ نفر زن) و در مجموع، ۴۱۴ نفر انتخاب و با استفاده از فرمول زیر محاسبه شدند:

$$n \geq \frac{Z^2 N \frac{\delta_{wx}^2}{\bar{X}^2}}{N\epsilon^2 + Z^2 \frac{\delta_x^2}{\bar{X}^2}}$$

$n$  حجم نمونه،  $N$  حجم جامعه،  $Z$  سطح اطمینان ( عدد ثابت ۲/۵۸ برای سطح اطمینان ۹۹ درصد)،  $\delta_{wx}^2$  واریانس درون گروهی و میزان دقت یا اعتماد است که معمولاً در محاسبه بیشترین حجم نمونه ۰/۰۲ انتخاب می‌شود.

$$N = N_1 + N_2 = ۶۲۵ + ۳۹۴۸ = ۴۵۷۳$$

$$\delta_{wx}^2 = \frac{N_1 \delta_1^2 + N_2 \delta_2^2}{N_1 + N_2} = \frac{(۳۴ \times ۳۶۷ / ۳۲۶) + (۴۳ \times ۳۴۲ / ۰۹۰)}{۳۴ + ۴۳} = ۳۵۳ / ۲۳۳$$

$$\bar{X} = \frac{N_1 \bar{X}_1 + N_2 \bar{X}_2}{N_1 + N_2} = \frac{(۳۴ \times ۱۱۱ / ۶۴) + (۴۳ \times ۱۱۴ / ۳۴)}{۳۴ + ۴۳} = ۱۱۳ / ۱۴$$

$$n \geq \frac{(2/58)^2 \times 4573 \times \frac{353/233}{12800/65}}{(4573 \times 0.2) + (2/58)^2 \times \frac{353/233}{12800/65}} = \frac{821/82}{1/99} = 412/97$$

$$n_h = N_h \times \frac{n}{N} =$$

$$\text{فنی} = 3948 \times \frac{413}{4573} = 356/55$$

$$\text{فنی زن} = 1262 \times \frac{357}{3948} = 114$$

$$\text{فنی مرد} = 2686 \times \frac{357}{3948} = 243$$

$$\text{علوم تربیتی} = 625 \times \frac{413}{4573} = 56/45$$

$$\text{علوم تربیتی زن} = 460 \times \frac{57}{625} = 42$$

$$\text{علوم تربیتی مرد} = 165 \times \frac{57}{625} = 15$$

در این پژوهش برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده و هر یک از مواد پرسشنامه به صورت یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱= کاملاً مخالف تا ۵= کاملاً موافق) طراحی شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان و روایی سازه آن از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شد. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و با انجام دادن چرخش متعامد واریماکس حاصل داده‌های یک نمونه ۱۰۰ نفری از دانشجویان، قبل از اجرای نهایی پرسشنامه (مطالعه مقدماتی) نشان داد که با انتخاب ۴۲ گویه، ۵ سازه قابل استخراج است. به طوری که آزمون KMO حاصل ۰/۸۴ است که نشان‌دهنده دقت بسیار بالای نمونه‌گیری است. همچنین، مقدار شاخص بارتلت نیز ۹۲۴۲/۰۴۵ به دست آمد که دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بود و لذا، مؤید دیگری برای کفایت و قابلیت داده‌ها برای انجام دادن تحلیل عاملی و حاکی از همبستگی قابل قبول بین گویه‌های انتخاب شده است. مجذور ضرایب همبستگی چندگانه در همه معرفها بالاتر از ۰/۵ بود.

جدول ۱ به تفصیل و مشخص نتایج تحلیل عاملی نشان داده شده است. همان‌طور که مشخص است، ساختار عاملی به‌دست آمده شفاف و عاملها از هم تفکیک شده و به استقلال رسیده‌اند. عاملها در این ساختار دارای سؤالات یا معرفهای خاص خود هستند. عامل اول روی سؤالات ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱ و ۲۸؛ عامل دوم روی سؤالات ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹؛ عامل سوم روی سؤالات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷؛ عامل چهارم روی سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ و در نهایت، عامل پنجم روی سؤالات ۴۰، ۴۱ و ۴۲ دارای بار عاملی قابل قبولی هستند. در آخرین ستون میزان اشتراک آمده است. میزان اشتراک بیانگر میزان واریانس از متغیرهاست که توسط عوامل نهایی تبیین می‌شود و نشان دهنده آن است که یک متغیر تا چه اندازه با متغیرهای دیگر اشتراک دارد. بجز سؤال ۴۰ همه سؤالات دارای میزان اشتراک بالای ۰/۶ هستند. مقادیر ویژه و درصد واریانس نیز در دو ردیف آخر ارائه شده‌اند. مقدار ویژه هر عامل بیانگر نسبتی از واریانس کل متغیرهاست که توسط آن عامل تبیین می‌شود. درصد واریانس نیز میزان واریانس است که توسط هر یک از عاملها تبیین شده است. بدیهی است عاملهای قبلی نسبت به عاملهای بعدی واریانس بیشتری را تبیین می‌کنند. در مجموع، ۷۳/۶۶۶ درصد از واریانس کل توسط پنج عامل استخراج شده تبیین می‌شوند. بنابراین، پرسشنامه محقق ساخته عوامل مؤثر بر انتخاب رشته به استخراج پنج عامل و حفظ ۴۲ سؤال ختم می‌شود. پایایی پرسشنامه پس از حذف سؤالات معیوب برای کل پرسشنامه و هر یک از مؤلفه‌های عوامل اقتصادی، عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی، عوامل فردی زیستی، عوامل اجتماعی - فرهنگی و عوامل کنکور سراسری به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۶۱، ۰/۷۶، ۰/۸۱، ۰/۷۰، ۰/۵۹ به‌دست آمد.

جدول ۱- ساختار عاملی پرسشنامه محقق ساخته عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی

میزان اشتراک	عاملهای استخراج شده بعد از چرخش					گویه‌ها
	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	
۰/۶۳۴					۰/۷۳۱	۱۸. صرفاً علاقه شخصی به این رشته باعث انتخاب من شد.
۰/۸۵۱					۰/۸۸۱	۱۹. اگر شرایط مطلوب ایجاد شود، من تغییر رشته خواهم داد.
۰/۸۴۱					۰/۸۵۸	۲۰. به داوطلبان کنکور توصیه می‌کنم در رشته من ادامه تحصیل دهند.
۰/۸۶۲					۰/۹۱۰	۲۱. مایلیم در رشته تحصیلی‌ام حداکثر تلاش خود را بکنم.
۰/۷۶۱					۰/۸۳۴	۲۲. احساس می‌کنم که در رشته من از حداکثر استعداد و مهارت‌هایم استفاده می‌شود.
۰/۸۰۸					۰/۸۸۶	۲۳. من به رشته دیگری (غیر از این رشته) علاقه داشته‌ام.
۰/۸۰۳					۰/۸۸۲	۲۴. من از انتخابی که داشتم احساس پشیمانی می‌کنم.
۰/۸۴۰					۰/۸۹۲	۲۵. هدف من فقط رفتن به دانشگاه بود و رشته تحصیلی برای من اهمیت نداشت.
۰/۸۱۱					۰/۸۶۷	۲۶. ناآگاهی من از رشته‌های دیگر باعث شد که این رشته را انتخاب کنم.

۰/۷۳۴				۰/۸۱۳	۲۷. فکر می‌کردم که این رشته نسبت به رشته‌های دیگر بیشتر با توانایی جسمی و فیزیکی من سازگاری دارد.
۰/۸۳۴				۰/۸۹۳	۲۸. کاربردی بودن رشته در زندگی شخصی باعث شد که این رشته را انتخاب کنم.
۰/۷۱۶			۰/۸۴۱		۲۹. رشته تحصیلی‌ام با نیازهای جامعه مطابقت ندارد.
۰/۷۶۵			۰/۸۷۴		۳۰. با اصرار والدینم این رشته را انتخاب کردم.
۰/۶۷۵			۰/۸۱۱		۳۱. راهنمایی و تشویق والدینم یکی از عواملی بود که مرا به انتخاب این رشته ترغیب کرد.
۰/۷۲۹			۰/۸۴۱		۳۲. راهنمایی‌های دوستان و همکلاسی‌های دوران دبیرستانم باعث شد که به انتخاب این رشته ترغیب شوم.
۰/۶۴۱			۰/۷۹۸		۳۳. تحصیل یکی از اعضای خانواده ام در این رشته باعث شد که من هم به این رشته تشویق شوم.
۰/۶۰۷			۰/۷۶۷		۳۴. راهنمایی و تشویق معلمان و دیگر اعضای مدرسه باعث شد که من این رشته را انتخاب کنم.
۰/۶۹۹			۰/۸۳۰		۳۵. راهنمایی خویشتندان با تجربه‌ام باعث شد که من این رشته را انتخاب کنم.
۰/۵۸۴			۰/۷۴۲		۳۶. قرب و منزلتی که این رشته در جامعه دارد باعث شد که من این رشته را انتخاب کنم.
۰/۶۷۵			۰/۸۱۹		۳۷. هدف من از انتخاب این رشته تلاش برای رفع مشکلاتی بود که در محل زندگی‌ام وجود دارد.
۰/۷۵۵			۰/۸۵۶		۳۸. با انتخاب این رشته می‌خواستم شغل والدینم را ادامه دهم.
۰/۸۱۲			۰/۸۹۴		۳۹. با راهنمایی یکی از مؤسسات خصوصی مشاوره تحصیلی به این رشته علاقه‌مند شدم.
۰/۸۲۴		۰/۸۸۶			۸. چون ارتباط بیشتری با رشته دبیرستانی من داشت، این رشته را انتخاب کردم.
۰/۶۳۵		۰/۷۶۲			۹. به دلیل اهمیت و اعتبار دانشگاه این رشته را انتخاب کردم.
۰/۶۵۴		۰/۸۰۴			۱۰. هدف من از انتخاب این رشته صرفاً رفتن به دانشگاه و گرفتن مدرک بالا بود.
۰/۸۱۷		۰/۸۸۷			۱۱. به دلیل سهولت تحصیل این رشته را انتخاب کردم.
۰/۸۳۵		۰/۸۸۲			۱۲. به سبب امکانات آموزشی بهتری که این رشته نسبت به رشته‌های دیگر داشت باعث شد که من این رشته را انتخاب کنم.
۰/۶۶۱		۰/۸۰۱			۱۳. به دلیل توانمندی و اعتبار علمی استادان این دانشکده این رشته را انتخاب کردم.
۰/۶۰۲		۰/۷۵۶			۱۴. نظارت در اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای آموزشی و ارزیابی که در این دانشکده صورت می‌گرفت، باعث شد که من این رشته را انتخاب کنم.
۰/۶۱۵		۰/۸۲۷			۱۵. به دلیل معتبر بودن مدرک تحصیلی این دانشگاه را انتخاب کردم.
۰/۷۰۶		۰/۸۲۴			۱۶. به دلیل اهمیت دادن به مشکلات آموزشی دانشجویان این دانشگاه را انتخاب کردم.
۰/۷۷۲		۰/۸۷۲			۱۷. فراهم بودن زمینه برای حضور در صحنه‌های مختلف علمی، سیاسی و فرهنگی جامعه در این دانشکده باعث شد

					که من به انتخاب این رشته ترغیب شوم.
۰/۷۳۰		۰/۷۸۷			۱. به دلیل مزایای حقوقی مناسب این رشته را انتخاب کردم.
۰/۶۸۱		۰/۷۸۷			۲. چون نسبت به بازار کار رشته‌ام نگرانی نداشتم، آن را انتخاب کردم.
۰/۸۵۶		۰/۸۹۰			۳. چون کار کردن در زمینه رشته خودم را دوست داشتم، آن را انتخاب کردم.
۰/۷۳۲		۰/۸۲۸			۴. یکی از عواملی که باعث شد این رشته را انتخاب کنم، خدمات رفاهی شهر محل تحصیل بود.
۰/۷۵۰		۰/۸۳۸			۵. چون این رشته بازار کار خوبی داشت، آن را انتخاب کردم.
۰/۶۳۶		۰/۷۶۶			۶. یکی از عواملی که باعث شد این رشته را انتخاب کنم، شرایط آب و هوایی مطلوب شهر محل تحصیل بود.
۰/۸۳۳		۰/۸۶۸			۷. هزینه مالی کمتری که تحصیل در این رشته دارد، باعث شد که من این رشته را انتخاب کنم.
۰/۶۳۵	۰/۷۸۹				۴۰. چون فکر کردم تقاضا برای این رشته کم است، به همین علت این رشته را انتخاب کردم.
۰/۶۲۷	۰/۷۷۵				۴۱. این رشته را انتخاب کردم، چون نمره من فقط اجازه انتخاب این رشته را به من می‌داد.
۰/۸۰۴	۰/۸۷۵				۴۲. مطالعه دفترچه سازمان سنجش که توضیحی در باره نوع رشته داده بود، مرا به انتخاب این رشته علاقه‌مند کرد.
	۲/۰۰	۳/۶۲	۵/۸۰	۷/۴۲	۱۲/۰۶
					مقدار ویژه
					درصد واریانس
	۴/۷۸	۸/۶۴	۱۳/۸۰	۱۷/۶۸	۲۸/۷۰

داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و میانگین رتبه‌ها) و آمار استنباطی (آزمون آماری من-ویتنی<sup>۸</sup> و فریدمن<sup>۹</sup> و t تک نمونه‌ای) و نیز نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

## یافته‌ها

**سؤال ۱. عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی، فردی- زیستی و کنکور سراسری به چه اندازه در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی مؤثر بوده است؟**

برای بررسی این سؤال از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تعداد اعضای نمونه، میانگین داده‌ها و انحراف معیار داده‌ها و همچنین، سطح معناداری و مقدار تی ذکر شده است. از آنجا که سطح معناداری آزمون تی برای همه عوامل کمتر از ۰/۰۵ است، تفاوت میانگین با مقدار ثابت عدد ۳ معنادار است. با بررسی مقدار میانگین‌های به‌دست آمده از تحلیل داده‌های حاصل از

8. Mann- whitney

9. Fried Man

پاسخهای دانشجویان می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانشجویان فنی و مهندسی عوامل اقتصادی و فردی در انتخاب رشته آنان تأثیر بالاتر از حد متوسط داشته است، اما عوامل اجتماعی، کنکور سراسری و عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی تأثیری کمتر از حد متوسط داشته است. همچنین، برای بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل به ترتیب اولویت از آزمون آماری فریدمن استفاده شد. این آزمون برای مقایسه میانگین رتبه‌های چند گروه وابسته یا یک گروه که چندین اندازه‌گیری انجام شده باشد، به کار می‌رود. در این خصوص نیز چندین اندازه‌گیری (عاملها) در یک گروه (دانشجویان فنی و مهندسی) وجود دارد، پس استفاده از این آزمون قابل قبول است.

نتایج تحلیل آزمون فریدمن نیز نشان داد بین عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی تفاوت معناداری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها، بالاترین عامل تأثیرگذار مربوط به عوامل اقتصادی (۴/۷۹) است و پس از آن به ترتیب عوامل فردی (۳/۴۷)، عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی (۲/۷۹)، کنکور سراسری (۲/۲۵) و پایین‌ترین عامل مربوط به عوامل اجتماعی - فرهنگی (۱/۶۹) است.

جدول ۲- تی تک نمونه ای برای بررسی میزان تأثیر عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان

فنی و مهندسی

عاملها	N	M	SD	df	T	Sig
اقتصادی	۳۵۷	۳/۹۹	۰/۵۱	۳۵۶	۳۶/۶۱	P<۰/۰۵
اجتماعی - فرهنگی	۳۵۷	۲/۱۸	۰/۳۸	۳۵۶	-۴۰/۲۰	P<۰/۰۵
فردی - زیستی	۳۵۷	۳/۰۷	۰/۵۱	۳۵۶	۲/۷۲	P<۰/۰۵
مؤسسه‌ای - آموزشی	۳۵۷	۲/۷۴	۰/۶۲	۳۵۶	-۷/۵۵	P<۰/۰۵
کنکور سراسری	۳۵۷	۲/۳۷	۱/۰۰	۳۵۶	-۱۱/۷۷	P<۰/۰۵

جدول ۳- آزمون فریدمن برای بررسی میزان تأثیر عوامل بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی و

مهندسی

عاملها	میانگین رتبه‌ها	N	df	Chi-Square	P
اقتصادی	۴/۷۹	۳۵۷	۴	۸۲۷/۵۵۷	P < ۰/۰۵
فردی - زیستی	۳/۴۷				
مؤسسه‌ای - آموزشی	۲/۷۹				
کنکور سراسری	۲/۲۵				
اجتماعی - فرهنگی	۱/۶۹				

## سؤال ۲. عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی، فردی- زیستی و کنکور سراسری به چه اندازه در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی مؤثر بوده است؟

برای بررسی این سؤال از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تعداد اعضای نمونه، میانگین داده‌ها و انحراف معیار داده‌ها گزارش و همچنین، سطح معناداری و مقدار تی نیز ذکر شده است. از آنجا که سطح معناداری آزمون تی برای عوامل اقتصادی و عوامل کنکور سراسری کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت میانگین با مقدار ثابت عدد ۳ معنادار است. با بررسی مقدار میانگینهای به‌دست آمده از تحلیل داده‌های حاصل از پاسخهای دانشجویان می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانشجویان روانشناسی و علوم تربیتی تأثیر عوامل اقتصادی در انتخاب رشته تحصیلی آنان کمتر از حد متوسط تأثیر داشته است، اما عوامل کنکور سراسری بیشتر از حد متوسط تأثیر داشته است و عوامل اجتماعی، مؤسسه‌ای و فردی در حد متوسط تأثیر داشته است. همچنین، برای بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل به ترتیب اولویت از آزمون آماری فریدمن استفاده شد. نتایج تحلیل آزمون فریدمن نیز نشان داد بین عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی تفاوت معناداری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها، بالاترین عامل تأثیرگذار مربوط به عوامل کنکور سراسری (۴/۵۰) است و پس از آن به ترتیب عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی (۳/۰۴)، عوامل اجتماعی- فرهنگی (۲/۸۴)، عوامل فردی (۲/۴۶) و پایین‌ترین عامل مربوط به عوامل اقتصادی (۲/۱۷) است.

### جدول ۴- تی t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان تأثیر عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی

#### دانشجویان روانشناسی و علوم تربیتی

عاملها	N	M	SD	df	T	Sig
اقتصادی	۵۷	۲/۶۲	۰/۹۰	۵۶	-۳/۱۵	P<۰/۰۵
اجتماعی- فرهنگی	۵۷	۳/۰۲	۰/۶۳	۵۶	۰/۳۷۸	P<۰/۷۸۲
فردی- زیستی	۵۷	۲/۹۱	۰/۵۵	۵۶	۲/۷۲	P<۰/۲۳۶
مؤسسه‌ای- آموزشی	۵۷	۳/۰۹	۰/۵۱	۵۶	۱/۳۸۱	P<۰/۱۷۳
کنکور سراسری	۵۷	۳/۸۲	۰/۵۲	۵۶	۱۱/۸۸۸	P<۰/۰۵

### جدول ۵- آزمون فریدمن برای بررسی میزان تأثیر عوامل بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان

#### روانشناسی و علوم تربیتی

عاملها	میانگین رتبه‌ها	N	df	Chi-Square	P
اجتماعی- فرهنگی	۲/۸۴	۵۷	۴	۷۵/۶۰۱	P<۰/۰۵
فردی- زیستی	۲/۴۶				
مؤسسه‌ای- آموزشی	۳/۰۴				
اقتصادی	۲/۱۷				
کنکور سراسری	۴/۵۰				



**سؤال ۳. آیا بین عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی، فردی- زیستی و کنکور سراسری و انتخاب رشته تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی و دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران تفاوت معناداری وجود دارد؟**

برای بررسی این سؤال از آزمون من- ویتنی استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که بین عوامل پنج‌گانه و انتخاب رشته در بین دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی و دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران تفاوت معناداری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد. مقایسه مقدار میانگین رتبه‌ها در دو گروه (روانشناسی و علوم تربیتی و فنی و مهندسی) بیانگر آن است که عوامل اقتصادی و فردی- زیستی در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی و مهندسی بیشتر از دانشجویان روانشناسی و علوم تربیتی مؤثر بوده است، ولی عوامل اجتماعی- فرهنگی، مؤسسه‌ای- آموزشی و عوامل کنکور سراسری در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان علوم تربیتی بیشتر از دانشجویان فنی مؤثر بوده است.

**جدول ۶- آزمون من ویتنی برای مقایسه دو گروه مستقل بر اساس عوامل پنج‌گانه مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان**

P	Mann-Whitney U	میانگین رتبه‌ها		N		عاملها
		علوم تربیتی	فنی	علوم تربیتی	فنی	
۰/۰۰۰	۱۸۸۹/۵۰۰	۶۲/۱۵	۲۳۰/۷۱	۵۷	۳۵۷	اقتصادی
۰/۰۰۰	۳۴۹۹/۵	۳۲۴/۶۱	۱۸۸/۸۰	۵۷	۳۵۷	اجتماعی- فرهنگی
۰/۰۴۲	۸۴۶۹/۵۰۰	۲۳۷/۴۱	۲۰۲/۷۲	۵۷	۳۵۷	مؤسسه‌ای- آموزشی
۰/۰۰۰	۵۷۸۳/۰	۱۳۰/۴۶	۲۱۹/۸۰	۵۷	۳۵۷	فردی- زیستی
۰/۰۰۰	۲۴۰۷/۰	۳۴۳/۷۷	۱۸۵/۴۷	۵۷	۳۵۷	کنکور سراسری

### بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب رشته تحصیلی یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیریهایی افراد برای ورود به دانشگاه است. برخی از نظریه‌پردازان معتقدند افراد در جهت‌گیریهایی خود در خصوص انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرند. پژوهش حاضر به دلیل اهمیت موضوع با هدف بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی و روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران انجام شد. با بررسی نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های حاصل از پاسخهای دانشجویان می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانشجویان فنی عوامل اقتصادی و فردی- زیستی در انتخاب رشته تحصیلی آنان تأثیری بالاتر از حد متوسط داشته است، اما عوامل اجتماعی- فرهنگی، کنکور سراسری و عوامل مؤسسه‌ای- آموزشی تأثیری کمتر از حد متوسط داشته است. همچنین، بر اساس یافته‌های تحقیق

عوامل اقتصادی (۴/۷۹) مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران شناسایی شدند. عوامل فردی - زیستی (۳/۴۷)، عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی (۲/۷۹)، کنکور سراسری (۲/۲۵) و عوامل اجتماعی - فرهنگی (۱/۶۹) به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. این نتایج با یافته‌های نصر و همکاران (Nasr et al., 2007)، عبدی و آقابابا (Abdi & Aqababa, 2008)، هاسلر و همکاران (Hossler et al., 1999)، دیویس و همکاران (Davis et al., 2001)، رایب (Reid, 2000) و دیلی (Daly, 2003) هماهنگ است. در این پژوهشها نیز مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی و مهندسی مثل علاقه، استعداد تحصیلی و توان علمی بیان شده است. قرار گرفتن عوامل فردی به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی قابل تأمل است، چرا که تحصیل در رشته مورد علاقه و مطابق با توان علمی فرد احتمال بروز مشکلاتی مثل تغییر رشته، افت تحصیلی، ترک تحصیل و ناراضی‌توانی دانشجویان را، که به صورت احساس سرخوردگی و عدم انگیزش در دانشجویان بروز خواهد کرد، کاهش می‌دهد. عامل بعدی تأثیرگذار بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی عامل اقتصادی است. تحصیل در رشته‌های مختلف هزینه‌های متفاوتی را در بر دارد و نیازمند وضعیت اقتصادی مناسب خانواده‌هاست. بنابراین، افرادی که قادر به تأمین هزینه هر کدام از رشته‌ها در دانشگاهها هستند، می‌توانند آنها را انتخاب کنند و همچنین، منافع اقتصادی و شغلی آتی که از طریق انتخاب رشته تحصیلی خاصی عاید فرد می‌شود، عامل تأثیرگذاری بر انتخاب رشته تحصیلی فرد محسوب می‌شود. بنابراین، باید به این مسئله توجه شود که آیا آگاهی دانشجویان از منافع رشته‌های تحصیلی کامل است و اینکه آیا آنها تحت تأثیر تفاوت‌های درآمدی مورد انتظار، فرصت اشتغال یا عوامل دیگر قرار دارند؟ این بخش با نتایج تحقیقات کنتون (Canton, 2001, As Cited in Abdi & Aqababa, 2008) و ماکسول و همکاران (Maxwell & Collageu, 2000) که در تحقیقات خود دستیابی به بهترین شغل و درآمد بالاتر را از مهم‌ترین انگیزه‌های افراد برای ورود به دانشگاه گزارش کرده‌اند، همخوان است. عامل بعدی تأثیرگذار عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی در بین دانشجویان فنی بود که به نحوی با مسئله ادامه تحصیل دانشجویان در رشته تحصیلی و دانشگاهی که انتخاب می‌کند، مربوط می‌شود؛ به عبارتی، وقتی دانشجویی رشته‌ای را برای تحصیل انتخاب می‌کند، ممکن است مسائلی از قبیل محتوای دروس، دانسته‌های خویش، کیفیت و اعتبار دانشگاهی که قرار است در آن تحصیل کند و بسیاری از مسائل دیگر را نیز در نظر آورد. برخی از دانشجویان برای ادامه تحصیل به دانشگاه مورد نظر خویش بیشتر توجه دارند و در خصوص ادامه تحصیل اولویت اصلی را به تحصیل در دانشگاه مورد علاقه خویش می‌دهند. عوامل اجتماعی - فرهنگی عامل بعدی تأثیرگذار بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی بود. در واقع، قرب و منزلتی که یک رشته خاص در جامعه دارد، می‌تواند به عنوان عامل مهمی در انتخاب رشته تحصیلی فرد باشد. همچنین، دیویس و همکاران (Davis et al., 2001)، ریتزس و موتزان (Reitzes & Mutran, 1980, As Cited in Ride, 2002) و نیز هالیتان و ویلیامز (Hallinan &

(Williams, 1990, As Cited in Davis et al., 2001) پیرسون و دلمانجکینز (Pearson & Dellmann-Jenkins, 1997) و فریسی و همکاران (Frisbee et al., 2000) نقش دوستان و همسالان، تأثیر خانواده و عوامل اجتماعی را در انتخاب رشته تحصیلی یا دانشگاه پر رنگ‌تر از عوامل دیگر می‌دانند که با یافته حاضر همخوان است. پایین‌ترین عامل مربوط به عوامل کنکور سراسری بود که در انتخاب رشته دانشجویان فنی و مهندسی تأثیر داشت. در واقع، عواملی که مستقیماً در ارتباط با کنکور سراسری هستند، به زیرعاملها تقسیم می‌شوند، مثل عامل متقاضی؛ یعنی فشار تقاضا برای انتخاب رشته‌های مختلف به‌طوری که بر انتخاب رشته دانشجو تأثیر می‌گذارد و او را از انتخاب رشته مورد نظر خویش منصرف می‌کند و عامل نمره که رتبه و نمره کسب شده دانشجو در کنکور سراسری است و موجب محدودیت او در انتخاب رشته تحصیلی می‌شود که در بین دانشجویان فنی و مهندسی کمترین تأثیر را داشت. همچنین، با بررسی مقدار میانگینهای به‌دست آمده از تحلیل داده‌های حاصل از پاسخهای دانشجویان می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه دانشجویان علوم تربیتی، تأثیر عوامل اقتصادی در انتخاب رشته تحصیلی آنان کمتر از حد متوسط تأثیر داشته است، اما عامل کنکور سراسری بیشتر از حد متوسط تأثیر داشته است. و عوامل اجتماعی - فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی و فردی - زیستی در حد متوسط تأثیر داشته است. همچنین، برای بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل به ترتیب اولویت یافته‌ها نشان می‌دهد که بالاترین عامل تأثیرگذار مربوط به عوامل کنکور سراسری (۴/۵۰) است و پس از آن به‌ترتیب عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی (۳/۰۴)، عوامل اجتماعی - فرهنگی (۲/۸۴) و عوامل فردی - زیستی (۲/۴۶) قرار دارد و پایین‌ترین عامل مربوط به عوامل اقتصادی (۲/۱۷) است. با مقایسه نتایج به‌دست آمده از دو گروه (فنی و مهندسی و علوم تربیتی) می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان تأثیر عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی و مهندسی و علوم تربیتی تفاوت وجود دارد. به‌طوری که برای دانشجویان فنی و مهندسی عوامل اقتصادی و فردی - زیستی بیشترین میزان تأثیر را دارد، اما برای دانشجویان علوم تربیتی عوامل کنکور سراسری و عوامل مؤسسه‌ای - آموزشی بیشترین تأثیر را بر انتخاب آنها دارد. تفاوت بین دو گروه بر اساس عوامل پنج‌گانه تأثیرگذار بر انتخاب رشته تحصیلی نیز بررسی شد. نتایج نشان داد که بین عوامل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی، فردی - زیستی و کنکور سراسری و انتخاب رشته تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی و دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تهران تفاوت معناداری وجود دارد. مقایسه مقدار میانگین رتبه‌ها در دو گروه (علوم تربیتی و فنی و مهندسی) بیانگر آن است که عوامل اقتصادی و فردی - زیستی در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی و مهندسی بیشتر از دانشجویان علوم تربیتی مؤثر بوده است، ولی عوامل اجتماعی - فرهنگی، مؤسسه‌ای - آموزشی و عوامل کنکور سراسری در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان علوم تربیتی بیشتر از دانشجویان فنی و مهندسی مؤثر بوده است که با تحقیق عبدی و دانایی (Abdi & Danaei, 2002) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که بین گروههای آزمایشی کنکور سراسری بر اساس عوامل مؤثر بر انتخاب

رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد، همسویی دارد. همچنین، نتایج این پژوهش با تحقیق معتبری (Motabari, 1992) که در بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان ترم اول در سه دانشکده فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی در رشته‌های الکترونیک، مکانیک، عمران، مواد، زیست‌شناسی، ریاضی، شیمی، مدیریت، علوم اجتماعی و ادبیات دریافت که پذیرفته شدگان رشته علوم انسانی از عوامل اجتماعی- فرهنگی بیش از پذیرفته شدگان رشته علوم پایه و فنی و مهندسی تأثیر پذیرفته‌اند، در حالی که تأثیر عوامل اقتصادی در دانشجویان فنی بیش از دانشجویان علوم انسانی و علوم پایه بوده است، همخوانی دارد. به‌طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی خود از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرند، اما نکته اساسی و مهم نحوه تأثیر و تأثرات بین عوامل مختلف است؛ به عبارتی، باید تشخیص داد که دانشجویان مرحله به مرحله از چه عواملی بیشتر یا کمتر تأثیر می‌پذیرند و از زمانی که قصد وارد شدن به دانشگاه را دارند چه برنامه‌هایی را برای خود تدارک می‌بینند تا به آنها کمک شود که بهترین انتخاب را داشته باشند. عوامل پنج‌گانه مورد بحث عواملی هستند که در تصمیم‌گیری داوطلبان هر دو گروه تأثیرگذار است، در صورتی که مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که علت تفاوت در عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دو گروه چیست؟ این موضوع مهمی است که پژوهشهای تکمیلی می‌تواند به شفاف‌سازی آن کمک کند. در هر صورت، دانستن سلسله مراتب عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی به برنامه‌ریزان آموزش عالی کمک زیادی می‌کند و همچنین، با توجه به نتایج یافته‌ها می‌توان گفت که نظام آموزش عالی کشور به‌عنوان متولی جذب دانشجویان در رشته‌های مختلف لازم است اطلاعات جامع و بدون ابهام را در خصوص فرایند انتخاب رشته در اختیار داوطلبان قرار دهد تا با توجه به شرایط و محدودیتهای موجود داوطلب بتواند انتخاب شایسته‌ای داشته باشد.

## پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. مسئولان به مسئله انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه توجه جدی داشته باشند و عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی شناسایی و برخی از عواملی که بر انتخاب رشته دانشجویان تأثیر منفی دارند، کنترل شوند.
۲. بهتر است افراد قبل از انتخاب رشته تحصیلی به مراکز مشاوره برای کسب راهنماییهای لازم در خصوص شرایط انتخاب رشته مراجعه کنند.
۳. دانشجویان برای انتخاب رشته تحصیلی مورد علاقه خود تحقیقات لازم را انجام دهند.
۴. با توجه به نتایج پژوهش لازم است با بازنگری در برنامه‌های گزینشی و آموزشی کشور، انگیزه لازم در دانشجویان ایجاد شود، چرا که پذیرش دانشجو بدون برنامه‌ریزی علمی و بدون توجه به

استعدادها و ظرفیت شغلی در جامعه و تأمین رضایت دانشجوی، به احساس سرخوردگی و بی‌انگیزگی در دانش‌آموختگان جوان منجر خواهد شد.

## References

1. Abdi, B., & Aqababa, A. (2008). Factors affecting the selection of candidates allowed to select courses entrance examination. *Journal of Higher Education*, ۱(3), 151-170 (in Persian).
2. Abdi, B., & Danaei, C. (2002). Reviews of the most important factors in choosing the candidates for entrance examination, proceedings of the seminar for university entrance Isfahan. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 44, 149-131 (in Persian).
3. Boudarbat, B., & Montmarquett, C. (2009). Choice of fields of study of university Canadian graduates: The role of gender and their parents' education. *Education Economics, Taylor and Francis Journals*, 17(2), 185-213.
4. Daly, B. A. (2003). Color and gender based difference in the sources of influence attributed to the choice of college major. *Critical Perspectives on Accounting*, 1037, 119- 134.
5. Davis, H. D., Noland, D., & Deato, N. (2001). Novel approaches to college choice: A survey of postsecondary opportunities. Annual Meeting of the Association Research, Retrieved from: [www.state.tn.us/the/policyinit.html](http://www.state.tn.us/the/policyinit.html).
6. DeRonck, N. G. (2007). The impact of family structure and involvement on the college enrollment of potential first generation college students. (Unpublished doctoral dissertation). Central Connecticut State University New Britain, Connecticut.
7. Frank, K. (2004). *Factors influencing field of study choice among native- born and immigrant university students*.
8. Frisbee, R.L., Belcher, G., & Sanders, R.E. (2000). Recruitment techniques that influence students to attend four year automotive programs. *Journal of Vocational Education Research*, 25(2), 104-125.
9. Harren, V. A. (1979). A model of career decision making for college students. *Journal of Vocational Behavior*, 14, 119-133.

10. Hossler, D., & Gallagher, K. S. (1987). Studying student college choice: A three phase model and the implication for policy makers. *College and University*, 2(3).
11. Hossler, D., Schmidt, J., & Vesper, N. (1999). *Going to college*. Baltimore: Johns Hopkins University Press. Retrieved from: <http://isadrise.Berueley.Edn/choosingmajor/definition.html>
12. Jackson, G.A. (1982). Public efficiency and private choice in higher education. *Educational Evaluation and Policy Analysis*, 4(2), 237-247.
13. Janis, I.L., & Mann, L. (1977). *Decision making: A psychological analysis of conflict, Cchoice, and commitment*. New York: The Free Press.
14. Johnson, R.W. (1987). Review of assessment of career decision making. *Journal of Counseling and Development*, 65, 567-569.
15. Kern, C. W. K. (2000). College choice influences: Urban high school students respond. *Community College Journal of Research and Practice*, 24(6), 487-494.
16. Kinzie, J., Palmer, M., Hayek, J., Hossler, D., Jacob, S. A., & Cummings, H. (2004). *Fifty years of college choice: Social, political and institutional influences on the decision making process*. Indianapolis, in: New Agenda Series, Lumina Foundation for Education.
17. Maxwell, G., & Collageu (2000). *How people choose vocational education and training programs*. NCVER Publ. Australia.
18. Miller, M. J., & Miller, T.A. (2005). Theoretical application of holland's theory to individual decision-making styles: Implications for career counselors. *Journal of Employment Counseling*, 42, 20-28.
19. Motabari, S.M. (1992). Analytical study of factors influencing students brantkhab some of the students. (Master's dissertation). Tehran University (in Persian).
20. Nasr, A.R., Arizi, H.R., Alamatsaz, M.H., & Nili, M.R. (2007). Evaluation criteria for selection of candidates for entry into public universities and compare the based on parent education, profession, age and frequency of participation in national tests. *Journal of Psychology Tabriz University*, 2, 109-138 (in Persian).

21. Nejat, S., Emami Razavi, SH., Rashidian, A., Yazdani, Sh., & Majdzadeh, SR. (2006). Evaluation of students in medicine and recognition of the career choice of medicine at Tehran University to deal with both qualitative and quantitative methods both qualitative and quantitative approaches. *The Development of Medical Education*, 3(1), 1-10(in Persian).
22. Noland, D., & Deato, N. (2001). *Tennessee, higher education commission, higher school student opinion survey*.
23. Pearson, C., & Dellmann-Jenkins, M. (1997). Parental influence on a student' selection of a college major. *College Student Journal*, 31(3), 301-313.
24. Reid, P. (2002). *Major Decisions: Major Choice*. Retrieved from: [www.elon.edu/ajones](http://www.elon.edu/ajones).
25. Roozbehani Mohammadi, K. (2004). The motivation of candidates for university entrance exams, university entrance seminar proceedings. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 44, 105-82(in Persian).
26. Sprinthal, N., & Collins (1998). *Adolescent psychology adelelpoment view*. Third edition. Mc Graw Hill. Inc.
27. Stanniec, J. F. O. (2004). The effect of race, sex, and expected returns on the choice of college major. *Eastern Economic Journal*, 30(4), 549-563. Retrieved from: [www.fcww.edo/users/crohrbgh](http://www.fcww.edo/users/crohrbgh)
28. Statistical Center of Iran (2001). *Statistical yearbook of Iran*. Tehran (in Persian).
29. Wei-Chun, V.L. (2009). *Choosing a college major: Factors that might influence the way students make decisions*. Retrieved from: <http://proquest.umi.com>.